

Future Research on the Evolution of Women's Social Identity in the University Institution with a Scenario Writing Approach

Neda Khodakaramiangilan *



PhD Student in Iranian Social Issues, Kashan University, Kashan, Iran..

Mohsen Niazi



Professor, Department of Sociology, Kashan University, Kashan, Iran.

Mohammad Reza Heshmati



PhD Student in Iranian Social Issues, Kashan University, Kashan, Iran.

Introduction

Higher education is one of the institutional structures that not only affects women but is affected by them. Women use their experiences in university to create their own self-organized identity. Innovation and novelty in identity begin with continued education and pave the way for their employment. The issue of identity, especially in the 1960s and early 1970s, attracted a lot of attention. Official government programs, publications, research, and seminars conducted in the realm of identity in these decades indicate the vital importance of identity and related topics. Women are at the center of identity differentiation and similarity. The university environment and its related components, which are more in favor of changing identity characteristics, introduce women to new identity features. On the other hand, the body of the larger societal culture usually creates expectations with traditional culture and identity elements. In most cases, the university leads to the emergence of a hybrid identity that differs from the identity expected by society.

Literature Review

Previous research by Levy and Quadro (2018) indicates that women in universities encounter values and norms that differ from their original culture. Consequently, they undergo identity transformations during this journey. This new identity is a

* Corresponding Author: n.khodakaramain.g@gmail.com

How to Cite: Niazi M; Khodakaramiangilan N; Heshmati, M. R. (2025). Future research on the evolution of women's social identity in the university institution with a scenario writing approach, *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 16(62), 203-232.

result of their interactions and confrontations with a world that is unfamiliar to them. Additionally, according to research by Keating and Kinnic (2019), gender has a significant impact on alienation in higher education institutions, with women experiencing a greater sense of alienation compared to men. Furthermore, Hajiani and Eravany (2017) demonstrated that modern identity, development, efficiency, tolerance, and uncertainty are key factors influencing Iran's national identity in the next decade. Rahmani and Tayyibi-nia (2017) explored the implications of higher education for women while simultaneously fulfilling traditional household duties, acquiring new skills and perspectives, and developing a novel, hybrid system of values that combines traditional and modern roles.

Materials and Methods

This research is applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of method. The statistical population of this study at all stages of the research includes university professors, experts, social science specialists, and academic staff who have information, academic education, or research and practical activities in this field. To identify the triggers, in-depth interviews were conducted with 18 experts in the first stage. To ensure the reliability, verifiability, and transferability of the data, methods such as documenting interviews and returning the coded interviews to the interviewees for verification were used. A second coder was also used to assess the level of agreement and similarity of the codes.

Conclusion

Analysis shows that several factors play a role in the transformations of women's social identity in universities. These factors include the women's liberation movements and criticism of traditional identity. These movements, by challenging traditional roles and expectations of women, have paved the way for a change in women's attitudes towards themselves and their place in society. Awareness of women's status in society and awareness of social and human rights are also other scenarios of this research. Increased awareness of gender inequalities and discrimination and familiarity with their rights has led women to redefine their identity and social status. On the other hand, the collapse of traditional identity and the emergence of new values and ideals are also important dimensions. The weakening of traditional values and norms and their replacement with modern values such as equality and freedom have created a new space for the formation of diverse identities. Today's women, with more freedom and awareness, actively participate in constructing and redefining their own identities. Therefore, another scenario is a creative mindset and freedom in choosing identity.

Furthermore, the present study offers three scenarios for the transformations of women's social identity in universities over 20 years:

Scenario 1: This scenario is characterized by factors such as the segregation of women from men in some universities, being influenced by various groups, independence and freedom of action, feelings of frustration resulting from interactions with some men, a sense of belonging to social groups, and the overall university experience.

Scenario 2: In this scenario, factors such as being influenced by various individuals and groups, the strengthening of women's sense of individuality, changes in the nature of their past identity, and the overall university experience play a key role.

Scenario 3: This scenario is characterized by factors such as the segregation of women from men in some universities, the combination of maternal and student identities, feelings of frustration resulting from interactions with some men, the formation of a hybrid identity, and the overall university experience.

Keywords: Rethinking Identity, Women's Social Identity, Micmac, Scenario Wizard, Social Institutions



آینده‌پژوهی تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه با رویکرد سناریو نویسی

دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه
کاشان، کاشان، ایران

ندا خداکرمیان گیلان * 

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران،

محسن نیازی 

دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه
کاشان، کاشان، ایران،

محمد رضا حشمتی 

چکیده

توسعه مراکز آموزش عالی، تقاضا و رقابت را برای زنان در عرصه‌های گوناگون به وجود آورده است؛ زنان در دانشگاه با تحول دیدگاه و هویت‌های متعددی رو به رو هستند، هویت‌هایی که دائماً در حال بازاندیشی و بازنگری انتقادی است. هدف از این پژوهش آینده‌پژوهی و سناریونگاری آینده تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه با استفاده از روش تحلیل اثرات متقاطع و CIB است. نتایج پژوهش مربوط به سال ۱۴۰۰ بوده و افق آینده، سال ۱۴۲۰ است. در مرحله اول نویسنده به ۱۸ نفر از خبرگان حوزه علوم اجتماعی، روانشناسی و علوم تربیتی پرسشنامه شد. امتیازات در ماتریس متقاطع وارد شد تا تأثیرگذاری و تأثیر پذیری هر کدام از متغیرها سنجیده شود. متغیرهای دوجبهی در نرم افزار میک مک به عنوان ورودی‌های نرم‌افزار سناریویوزارد تجزیه و تحلیل شدند و ۳ سناریوی سازگار به‌دست آمد. پیشران‌های مهم پژوهش به وجود آمدن جنبش‌های آزادی زنان، انتقاد به هویت سنتی، آگاهی نسبت به موقعیت زنان در جامعه، از بین بردن اقتدار تثبیت شده مردان، فروپاشی هویت سنتی، تعریف خود در فضای جدید و از یاد رفتن گذشته، ارزش و آرمان‌های جدید، هویت ناپایدار و شکننده، آگاهی از حقوق اجتماعی و انسانی، سردرگمی در هویت، نشان دادن هویت در فضای بیرون از خانه، عدم اعتماد به مردان و ذهنیت خلاق و آزادی در انتخاب هویت هستند که بر سایر متغیرها تأثیر می‌گذارند و تأثیر می‌پذیرند.

واژه‌های کلیدی: بازاندیشی در هویت، هویت اجتماعی زنان، میک مک، سناریویوزارد، نهادهای اجتماعی.

مقدمه

آموزش عالی از جمله ساختارهای نهادی است که زنان در فضای آن نه تنها از آن تأثیر می‌پذیرند بلکه بر آن نیز تأثیر می‌گذارند. ابداع و نوآوری در هویت با ادامه تحصیلات آغاز می‌شود و مسیر را برای اشتغال آنان فراهم می‌کند. تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی هویت اجتماعی زنان را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد: ۱. هویت‌های فردی و اجتماعی زنان (فریدونی، ۱۳۹۱: ۱۲؛ صدیق سروسنانی و قادری، ۱۳۸۸: ۳۶ - ۳۹)؛ ۲. تحولات هویتی زنان (Owen, 2017؛ 6؛ Khamis, 2020؛ 32؛ Isaak, 2021)؛ ۳. توانمندسازی زنان در تحصیلات و اشتغال (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۲۱۵؛ قلی‌پور، اسماعیلی و قلی‌پور، ۱۳۹۸)؛ ۴. هویت اجتماعی زنان در دانشگاه و اشتغال (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۷).

مسئله هویت در دهه‌های اخیر به خصوص دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ شمسی، توجه زیادی برانگیخت. برنامه‌های رسمی دولت، تالیفات، پژوهش‌ها و سمینارهای انجام شده در قلمرو موضوع هویت در این دهه‌ها نشان از اهمیت بسیار حیاتی هویت و موضوعات مرتبط با آن است (میمنت‌آبادی، تاجیک اسماعیلی و هاشمی، ۱۳۹۹: ۶۲). زنان در مرکز تمایز و تشابه هویتی قرار دارند (نمازی و فرهنگند، ۱۳۹۹: ۳۸). فضای دانشگاه و سایر متعلقات آن که بیشتر موافق تغییر و تحول ویژگی‌های هویتی است، زنان را با ویژگی‌های هویتی جدید آشنا می‌کند و از سوی دیگر بدنه فرهنگ جامعه بزرگ‌تر معمولاً انتظارات با فرهنگ سنتی و عناصر هویتی را می‌آفریند، در بیشتر اوقات دانشگاه منجر به بروز هویت ترکیبی و دورگه می‌شود که با هویت مورد انتظار جامعه متفاوت است (لطف‌آبادی، ۱۳۹۹: ۶).

با توسعه دانشگاه‌ها تقاضا و رقابت گسترده زنان برای ورود به بستر هویت مدرن به وجود آمد (علیرضا نژاد، ۱۳۹۷: ۱۰۴). تجربه دانشگاه توانسته است با تغییر موقعیت زنان از خانه و چهارچوب سنتی آن‌ها را به عرصه بیرون هدایت کند. زنان با توجه به گفتمان‌های رایج غالب در عرصه علم و اشتغال که اغلب برای آن‌ها منجر به عرصه کشمکش و سردرگمی می‌شوند؛ همواره با چالش‌های هویتی متعددی رو به رو هستند که ناشی از

نقش‌ها و هویت جدید است. بنابراین شناخت هویت اجتماعی زنان در بستر هویت ضرورت دارد. آنچه که هویت اجتماعی زنان دانشجو را در آینده ممکن می‌سازد باید مورد بررسی قرار گیرد. چگونگی تأثیر عوامل مختلفی مانند تحولات فرهنگی، توسعه اجتماعی، و تغییرات اقتصادی در زمینه هویت اجتماعی زنان مهم هستند (Blount, 2021: 492; Lonsdale, 2021: 817; Laffan, 2021: 2282; Lai & Smith, 2021: 492)

این پژوهش به عنوان یک مسئله بحرانی می‌تواند درک شود، زیرا شکل‌گیری هویت اجتماعی زنان در محیط دانشگاهی به شدت تحت تأثیر چالش‌هایی قرار دارد که از جمله می‌توان به سیستم ارزش‌های متغیر، انتظارات اجتماعی متحول، و پیشرفت‌های تکنولوژیک هستند. همچنین، این تحقیق تلاش می‌کند که به شناخت بیشتری از آنچه که زنان دانشجو در آینده ممکن است تجربه کنند و نحوه تعامل آن‌ها با محیط دانشگاهی که در حال تحول است، کمک کند. بسیاری از تحقیقات موجود بیشتر به بررسی وضعیت فعلی هویت اجتماعی زنان در مراکز آموزش عالی پرداخته‌اند و کمتر به پیش‌بینی و تحلیل تغییرات آینده در این حوزه توجه داشته‌اند. این پژوهش می‌تواند با استفاده از روش سناریو نویسی، به پر کردن این شکاف کمک کند.

در این زمینه با توجه به پیشرفت‌های سریع فناوری و دیجیتالی شدن آموزش، باید تحقیقات زیادی در این زمینه وجود داشته باشد اما تحقیقات کافی در مورد تأثیر این تغییرات بر هویت اجتماعی زنان در دانشگاه‌ها وجود ندارد. بررسی چگونگی تطابق زنان با این تغییرات و تأثیرات آن بر هویت اجتماعی‌شان می‌تواند یک زمینه جدید و مهم برای پژوهش باشد. این شکاف‌های تحقیقاتی نشان می‌دهند که هنوز بسیاری از جنبه‌های مهم تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه به طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و این مقاله می‌تواند با تمرکز بر این مسائل، به توسعه دانش در این زمینه کمک کند. هدف اصلی این تحقیق، بررسی و پیش‌بینی تحولات احتمالی هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه در آینده است.

در این راستا این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوالات است که چگونه هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه در حال تغییر است؟ چه سناریوهایی بیشترین تأثیر را بر تحول اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه دارند؟

پیشینه پژوهش

لیوی و کوادر (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان هویت و جنسیت در تحولات فرهنگی: بازگشت به خانه از آموزش عالی، به عنوان "مهاجرت داخلی" در بین زنان بادیه نشین در اسرائیل انجام دادند. در این پژوهش از روش کیفی و مصاحبه برای انجام پژوهش استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که زنان در دانشگاه با ارزش‌ها و هنجارهای متفاوت با فرهنگ اصلی خود قرار دارند. بر این اساس در طی مسیر هویت خود را تغییر می‌دهند؛ این هویت نتیجه‌ی برخورد و مواجهه آن‌ها با دنیایی که برای آنان ناآشنا است، اتفاق می‌افتد.

کیننگ و کینیک (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان بازتاب هویت سازمانی مبتنی بر نظریه هویت اجتماعی بر ادراک بیگانگی در آموزش عالی انجام دادند. در این پژوهش از روش کمی و نرم افزار spss استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که در مراکز آموزش عالی جنسیت بر بیگانگی تأثیر قابل توجهی دارد و در فضای دانشگاه زنان بیشتر از مردان احساس بیگانگی می‌کنند. هنگامی که هویت فرد قوی‌تر باشد، احساس بیگانگی کمتری می‌کند. اما در فضای دانشگاه هویت افراد تغییر می‌کند و افراد دچار از خودبیگانگی می‌شوند.

حاجیانی و ایروانی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان آینده پژوهی هویت ملی ایران در افق زمانی ۱۴۰۷ انجام دادند. روش‌های دلفی، مصاحبه، پویش محیطی، تحلیل تأثیر متقاطع و سناریو نویسی از تکنیک‌های آینده پژوهی هستند که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مقاله شامل سناریوهای سه گانه خوش‌بینانه، میانه و بدبینانه است و نشان می‌دهد که هویت مدرن، توسعه و کارآمدی و تساهل و مدارا،

عدم قطعیت‌های کلیدی تأثیرگذار بر هویت ملی ایران در ده سال آینده است. از نظر خبرگان مشارکت‌کننده وقوع سناریوی میانه محتمل‌تر است.

رحمانی و طیبی‌نیا (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان فرایند تحول هویت اجتماعی زنان در تجربه گفتمانی نهاد دانشگاه (مورد مطالعه: زنان متاهل، شاغل و دانشجو) انجام دادند. روش این پژوهش مردم‌نگاری است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پیامد تحصیلات عالی برای زنان در حین انجام وظایف سنتی و خانه‌داری، کسب مهارت و بینش‌های متفاوت از گذشته و نظام فکری و ارزشی نو و ترکیبی از نقش‌های سنتی و جدید است؛ این امر منجر به برساخت هویتی تلفیق‌شده با خصلت فردگرایی خودمدار و بازاندیش در دوساختار اولیه و ثانویه شده است.

قلی‌پور، قلی‌پور و اسماعیلی (۱۳۹۰) پژوهشی تحت عنوان مدیریت هویت؛ شناسایی راه‌کارهای تقویت هویت اجتماعی زنان در نهادهای آموزشی انجام دادند. در این پژوهش تکنیک پژوهش مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که جداسازی فیزیکی، مکانی و نمادین هویت زنان و مردان منجر به سرخوردگی آنان شده است و از سوی دیگر اعتماد به نفس آنان را از بین برده است. فقدان توانایی ایجاد پیوند میان هویت‌های مختلف، یکی از علل شکست در برقراری تعادل میان نقش‌های مختلف اجتماعی است که منجر به یک بعدی شدن دختران و خودباوری ضعیف آن‌ها می‌شود.

ساروخانی و رفعت‌جاه (۱۳۸۶) پژوهشی تحت عنوان بازاندیشی در تقابل‌های جنسیتی و هویت‌های زنانه (بررسی کیفی هویت اجتماعی در میان زنان تهرانی) انجام دادند. روش این پژوهش کیفی و تکنیک مصاحبه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند تحصیلات دانشگاهی نقش موثرتر از شغل در بازتعریف هویت اجتماعی زنان دارند. در این میان زنانی که هم دارای منابع فرهنگی یعنی تحصیلات عالی و هم دارای منابع مادی یعنی استقلال مالی بوده‌اند بیشتر در هویت‌های سنتی و مدرن تأمل کرده و به بازتعریف هویت اجتماعی خود مبادرت می‌کنند و زنان مذهبی غالباً با ورود به دانشگاه دچار عدم انسجام هویتی می‌شوند.

مطالعات اندکی در زمینه آینده پژوهی هویت صورت گرفته است؛ مطالعاتی که به آنان اشاره شد را می توان در چهار دسته تقسیم نمود: الف) هویت و جنسیت؛ ب) هویت اجتماعی در مراکز آموزشی؛ پ) بازاندیشی در هویت زنانه؛ ت) راه کارهای تقویت هویت اجتماعی زنان در نهاد آموزشی است. شباهت این پژوهش با پژوهش های پیشین در این است که در این پژوهش و پژوهش های پیشین بر زنان، محیط دانشگاهی و تأثیر تحصیلات توجه شده است. از سوی دیگر تفاوت این پژوهش با پژوهش های پیشین در این است که در پژوهش های پیشین از روش کمی، کیفی و ترکیبی استفاده شده است اما در این پژوهش از روش آینده پژوهی استفاده شده است.

در این مقاله به آینده پژوهی هویت اجتماعی زنان می پردازد و تلاش می کند که سناریوهای مختلف آینده را در این زمینه مطالعه کند. این نقطه، که شامل روش های آینده پژوهی مانند دلفی، سناریو نویسی و تحلیل تأثیر متقاطع است، یکی از ویژگی های اصلی مقاله است.

چهارچوب مفهومی

جایگاه زنان در جامعه، یک موضوع در حال تکامل است که تحت تأثیر نگرش های فرهنگی و نهادهای اجتماعی قرار دارد. این نهادها از طریق نقش های جنسیتی که ترسیم می کنند و انتظاراتی که ایجاد می کنند، بر شکل گیری هویت زنان تأثیر می گذارد. از آنجا که زنان غالباً در نقش های سنتی خانه و خانواده قرار می گرفتند، جایگاه آنها در جامعه پایین تر از مردان ارتقاء می یافت. اما با تغییر نگرش ها و تلاش جنبش های فمینیستی، نقش های متنوعی برای زنان در جامعه در حال شکل گیری است. نهادهای اجتماعی مانند دانشگاه ها، رسانه ها و مراکز قدرت می توانند در ترویج این نقش های جدید و کمک به زنان برای ایفای نقش های متنوع تر در جامعه موثر باشند.

یکی از رویکردهایی که می توان در مبانی نظری این پژوهش مورد بررسی قرار داد رویکرد ساخت اجتماعی جنسیت است. این رویکرد بر این باور است که هویت جنسیتی،

یک مفهوم اجتماعی ساختگی است که در طول زمان و بر اساس عوامل فرهنگی، سیاسی و تاریخی مختلف شکل می‌گیرد. این رویکرد معتقد است که مفهوم جنسیت یک ساخت اجتماعی است که در آن انتظارات، نقش‌ها و رفتارهایی که از مردان و زنان انتظار می‌رود، توسط جامعه تعریف می‌شوند. این ساخت اجتماعی بر اساس قدرت و روابط نابرابری است که در جامعه وجود دارد، شکل می‌گیرد و حفظ می‌شود. برای مثال، انتظار می‌رود که زنان وظایف مراقبت از خانواده را بر عهده بگیرند و مردان نقش تامین کننده مالی خانواده را ایفا کنند. این نقش‌ها که توسط جامعه تعریف می‌شوند، می‌توانند بر روی هویت اجتماعی زنان و مردان تأثیر بگذارند.

جنسیت نه به عنوان یک ویژگی زیستی یا ذاتی، بلکه به عنوان یک مفهوم فرهنگی درک می‌کند که در طول زمان تغییر می‌کند و بین جوامع مختلف تفاوت دارد. برای مثال، مفهوم زن بودن در یک جامعه سنتی ممکن است بسیار متفاوت با یک جامعه مدرن باشد. همچنین، این رویکرد معتقد است که جنسیت یک طیف متنوع است و هویت جنسیتی هر فرد می‌تواند در جایگاهی بین دو قطب مردانه و زنانه قرار گیرد (McLeod, 2018).

در مورد نهاد دانشگاه باید گفت که از منظر این رویکرد هویت اجتماعی زنان در محیط دانشگاهی تحت تأثیر انتظارات جنسیتی است که در جامعه وجود دارد و دانشگاه نیز به عنوان بخشی از جامعه، از این امر مستثنی نیست. برای مثال، ممکن است انتظاراتی که از زنان در زمینه انتخاب رشته تحصیلی وجود دارد، بر روی تصمیم‌گیری آنها در انتخاب رشته‌های دانشگاهی تأثیر بگذارد. یا اینکه انتظارات جنسیتی می‌توانند بر روی روابط اجتماعی زنان با همکاران و اساتید دانشگاهی‌شان تأثیر بگذارد.

رویکرد دیگر، رویکرد فمینیستی است. این رویکرد بر ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی نابرابری‌های جنسیتی تمرکز دارد و هدف آن فهم چگونگی تأثیر این نابرابری‌ها بر زندگی زنان و تلاش برای تغییر آن است. فمینیسم یک جنبش اجتماعی و سیاسی است که هدف آن پایان دادن به تبعیض جنسیتی و دست یافتن به برابری جنسیتی است. این رویکرد بر این باور است که نابرابری جنسیتی یک مسئله ساختاری است که در قلب روابط اجتماعی و

فرهنگی قرار دارد و در تمام سطوح جامعه وجود دارد.

فمینیست‌ها معتقدند که این نابرابری‌ها نه ذاتی و بیولوژیک، بلکه حاصل ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هستند که زنان را در موقعیت پایین‌تری نسبت به مردان قرار می‌دهد. بر اساس این رویکرد هویت اجتماعی، زنان را تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند: نقش‌های جنسیتی سنتی، انتظارات فرهنگی و نگرش‌های جامعه قرار می‌دهد (Hogg, 2020). رویکرد فمینیستی، یک رویکرد انتقادی است که تلاش می‌کند تا ریشه‌های نابرابری‌ها را شناسایی کرده و برای تغییر آن‌ها اقدام کند. می‌توان از این رویکرد برای بررسی چالش‌های جنسیتی در نهاد دانشگاه و ارائه راهکارهای عملی برای ایجاد تغییر در هویت اجتماعی زنان استفاده کرد. این راهکارها می‌توانند شامل تلاش‌های آگاه‌سازی، ایجاد تغییر در سیاست‌های دانشگاهی و ترویج فرصت‌های برابر برای زنان باشد.

در کل، رویکرد فمینیستی یک چارچوب قوی برای بررسی نابرابری‌های جنسیتی و تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه ارائه می‌دهد و می‌توان آن را به عنوان یک رویکرد انتقادی برای شناسایی و چالش زدن نابرابری‌ها در محیط دانشگاهی به کار گرفت. بر اساس این رویکرد، این عوامل، تجربه زنان در محیط‌های مختلف از جمله دانشگاه را شکل می‌دهند. برای مثال، ممکن است نگرش‌های سنتی نسبت به زنان، آن‌ها را از شرکت در برخی رشته‌های دانشگاهی بازدارد یا اینکه حضور زنان در پست‌های مدیریتی دانشگاه‌ها را محدود کند.

رویکرد سوم، رویکرد پست‌مدرنیسم است که هویت جنسیتی را یک ساخت متاثر از زبان، فرهنگ و روابط قدرت می‌داند. پست‌مدرنیست‌ها معتقدند که هویت جنسیتی یک مفهوم ثابت و سرسخت نیست، بلکه یک ساخت پویاست که در حال تغییر و تحول است. این رویکرد بر این باور است که هویت جنسیتی یک روایت است که در آن، داستان‌ها و روایت‌های فرهنگی نقش کلیدی دارند. این روایت‌ها از طریق زبان، رسانه‌ها و نهادهای اجتماعی به ما انتقال می‌یابند و بر روی درک ما از جنسیت تأثیر می‌گذارند. برای مثال، کلیشه‌های جنسیتی که در فیلم‌ها و رسانه‌ها نمایش داده می‌شوند، می‌توانند بر روی درک

ما از هویت جنسیتی تأثیر بگذارند.

پست‌مدرنیسم، هویت را چندوجهی می‌داند و معتقد است که هویت جنسیتی هر فرد می‌تواند شامل جنبه‌های متعدد و متغیر باشد که می‌توانند در موقعیت‌های مختلف تغییر کنند. همچنین، این رویکرد بر آزادی فرد در شکل‌دهی به هویت خود تأکید دارد و هویت جنسیتی را چیزی نمی‌داند که به صورت ثابت و از پیش تعیین‌شده باشد (Laffan, 2021: 813-815; Blount, 2021: 2274-2276). این رویکرد می‌تواند در بررسی تأثیر روایت‌های فرهنگی و زبان بر درک ما از تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه مفید باشد. برای مثال، چگونگی تأثیر داستان‌ها و کلیشه‌های جنسیتی بر تجربه زنان در محیط دانشگاه و همچنین چگونگی استفاده زنان از آزادی‌شان برای شکل‌دهی به هویت جنسیتی خود در فضای دانشگاهی را می‌توان با استفاده از این رویکرد مورد بررسی قرار داد.

به طور کلی باید گفت در این تحقیق، رویکردهای ساخت اجتماعی جنسیت، فمینیستی و پست‌مدرنیسم برای بررسی آینده‌پژوهی هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه مورد بحث قرار می‌گیرند. رویکرد ساخت اجتماعی جنسیت، هویت جنسیت را یک مفهوم اجتماعی می‌داند که توسط جامعه شکل می‌گیرد و انتظارات جنسیتی را بر هویت اجتماعی زنان در محیط دانشگاهی تأثیرگذار می‌داند. رویکرد فمینیستی بر ریشه‌های اجتماعی نابرابری‌های جنسیتی تمرکز دارد و تلاش می‌کند تا با شناسایی آنها، تغییراتی را ایجاد کند. رویکرد پست‌مدرنیسم هویت جنسیتی را یک روایت متأثر از زبان و فرهنگ می‌داند که می‌تواند در محیط دانشگاهی بر تجربه زنان تأثیر بگذارد. هر کدام از این رویکردها زوایای مختلفی از موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهند و می‌توانند درک ما را از تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه غنا بخشند.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش در تمامی مراحل پژوهش، اساتید دانشگاه، خبرگان، متخصصان علوم

اجتماعی و کارمندان دانشگاه را شامل می‌شود که در این زمینه دارای اطلاعات و تحصیلات آکادمیک و یا سابقه فعالیت‌های تحقیقاتی و عملی هستند.

به منظور شناسایی پیشران‌ها، در مرحله اول مصاحبه‌های عمیق با ۱۸ نفر از خبرگان انجام شد. پروتکل مصاحبه بر اساس تکنیک پستل و فن پرسشی wh15 طراحی شده بود. مفاهیم و مقولات مورد استفاده در این مصاحبه‌ها، از ادبیات تحقیق و این دو تکنیک استخراج شده بودند. این پیشران‌ها پس از انجام تحلیل تم بر روی مصاحبه‌ها، استخراج شدند. نمونه‌گیری در این مرحله به صورت قضاوتی و هدفمند انجام شد و تا حصول اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل تم استفاده گردید. جهت بررسی قابلیت اعتماد، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری داده‌ها، از روش‌های مستندسازی مصاحبه‌ها، بازگشت مصاحبه‌های کدگذاری شده به افراد مصاحبه‌شونده جهت تأیید استفاده شد. همچنین از کدگذار ثانویه به منظور بررسی میزان انطباق کدها و مشابهت کدها، جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

در مرحله دوم پژوهش، پس از شناسایی پیشران‌ها، پنلی متشکل از ۱۰ نفر از خبرگان تشکیل شد. در این پنل، خبرگان به ارزیابی میزان تأثیرگذاری هر یک از پیشران‌ها بر یکدیگر پرداختند. پیشران‌های شناسایی شده در مرحله قبل، در ماتریسی مشابه ماتریس تحلیل اثرات قرار داده شد و میزان ارتباط بین آنها توسط خبرگان تشخیص داده شد. نرم افزار MICMAC پس از دریافت پاسخ‌ها از خبرگان، به تحلیل آنها می‌پردازد. این تحلیل بر پایه میزان اثرگذاری و اثرپذیری هر یک از متغیرها صورت می‌گیرد. اثرگذاری هر متغیر با تعداد خانه‌های علامت‌گذاری شده در سطر آن متغیر و اثرپذیری آن با تعداد خانه‌های علامت‌گذاری شده در ستون آن متغیر سنجیده می‌شود.

بر اساس تعداد خانه‌های علامت‌گذاری شده در سطر و ستون هر متغیر، متغیرها به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شوند: متغیرهای مستقل کلیدی، متغیرهای وابسته، متغیرهای خودمختار و متغیرهای دوجبهی. برای تعیین نمره‌های ورودی به نرم افزار MICMAC، جلسات مدیریت تعاملی برگزار شد. در این جلسات، نظرات افراد جمع‌آوری و سپس

تجزیه و تحلیل شد. در نهایت، با در نظر گرفتن نظرات تکمیلی خبرگان، در مورد وجود یا عدم وجود رابطه بین متغیرها تصمیم‌گیری گردید. این فرآیند تضمین‌کننده روایی و پایایی نتایج است.

در مرحله سوم، متغیرهای دوجبهی به عنوان ورودی نرم‌افزار سناریوویزارد ارائه می‌شوند. پس از جمع‌آوری حالات، نظرات تکمیلی خبرگان برای تأیید صحت و قابلیت اتکای نتایج اخذ می‌گردد. خروجی این مرحله، شناسایی سناریوهای سازگار است که آینده را بر اساس آن می‌توان ترسیم کرد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در مرحله اول با ۱۸ نفر از خبرگان حوزه علوم اجتماعی، روانشناسی، علوم تربیتی مصاحبه شد که ۵۰ درصد آن‌ها زن و ۵۰ درصد آن‌ها مرد بودند. حدود ۴۴ درصد از افراد دارای دکترای تخصصی، ۱۷ درصد دانشجوی دکترا، ۱۱ درصد کارشناسی ارشد، ۲۸ درصد کارشناسی بودند. ۴۴ درصد افراد عضو هیئت علمی، ۱۱ درصد معلم، ۶ درصد بیکار و ۳۹ درصد کارمند دانشگاه بودند. در مرحله دوم پنلی ۱۰ نفر از خبرگان حوزه علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی تشکیل شد که ۳۶ درصد از آنان زن و ۶۴ درصد از آنان مرد بودند. ۵۰ درصد دارای دکترا تخصصی، ۵۰ درصد دانشجوی دکترا بودند. ۷۵ درصد از آنان شاغل و ۲۵ درصد از آنان غیر شاغل بودند. در مرحله سوم پنلی ۱۰ نفر از خبرگان حوزه علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی تشکیل شد. ۴۳ درصد از آنان زن و ۵۷ درصد مرد بودند. ۱۹ درصد عضو هیئت علمی و ۸۱ درصد دانشجوی دکترا بودند.

گام اول پژوهش

در پژوهش حاضر مصاحبه عمیق صورت گرفت و پس از آن یافته‌ها با استفاده از تحلیل تم مورد بررسی قرار گرفتند. جدول ۲، تحلیل تم (مفاهیم و مقولات) صورت گرفته

بر روی مصاحبه‌های عمیق با ۱۸ نفر از خبرگان حوزه علوم اجتماعی را نشان می‌دهد. در گام دوم پژوهش و پس از استخراج پیشران‌های حاصل از نتایج پرسشنامه سنجش اهمیت و عدم قطعیت عوامل کلیدی، از طریق پرسشنامه ماتریس تحلیل اثرات متقاطع، اثرگذاری و اثرپذیری هر کدام از این عوامل بر یکدیگر بررسی شد. در روش تحلیل ساختاری، تأثیر هر روند (مولفه) بر مولفه‌های دیگر درجه‌بندی می‌شود. برای این منظور از ماتریس مولفه‌های کلیدی شناسایی شده، استفاده شد تا وضعیت هر یک از آن‌ها (از حیث تأثیرگذاری، تأثیرپذیری و روابط متقابل) در سیستم مشخص شود. بر این اساس نرم افزار میک مک (برای تحلیل روابط ساختاری میان مولفه‌های کلیدی) پیاده‌سازی شد و متغیرها و شاخص‌های استخراج شده با بهره‌گیری از روش تحلیل تأثیرات متقابل در محیط میک مک بررسی و تحلیل گردید.

جدول ۱- تحلیل تم مصاحبه با خبرگان

ردیف	دورنمایه (تم اصلی)	طبقات (تم فرعی)
۱	بازاندیشی در هویت	- سردرگمی در هویت - هویت ناپایدار و شکننده - فروپاشی هویت سنتی - تعریف خود در فضای جدید و از یاد رفتن گذشته
۲	از بین رفتن کلیشه‌های جنسیتی	- از بین بردن اقتدار تثبیت شده مردان - به وجود آمدن جنبش‌های آزادی زنان - عدم اعتماد به مردان - نشان دادن هویت در فضای بیرون از خانه
۳	تغییر ساختار معنایی	- انتقاد به هویت سنتی - ارزش و آرمان‌های جدید - ذهنیت خلاق و آزادی در انتخاب هویت - آگاهی نسبت به موقعیت زنان در جامعه - آگاهی از حقوق اجتماعی و انسانی
۴	همنوایی اجتماعی	- رابطه دیالکتیک با اجتماع - هوشیاری و آگاهی نسبت به قبل در کنش جمعی - احترام به ارزش‌ها و هنجارهای دیگران

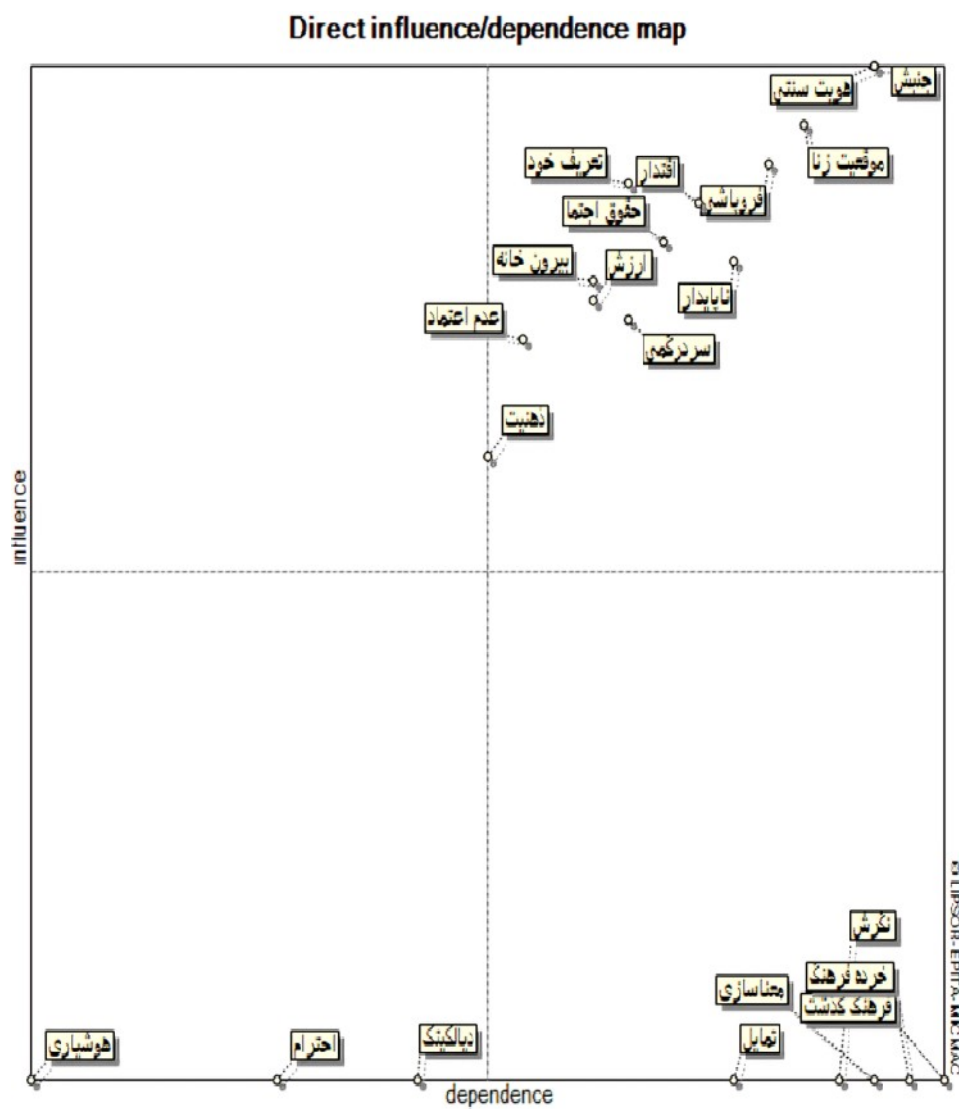
۵	تجربه دانشگاه و تحصیلات	- از بین بردن فرهنگ گذشته - به وجود آمدن خرده فرهنگ جدید - تمایل به سوی علاقه و انگیزه خود - نگرش مثبت نسبت به مدرک - معناسازی نو از هویت خود پس از تحصیلات
---	-------------------------	--

طبق نمودار ۱. متغیرها به چهار گروه خودمختار، وابسته، پیوندی (رابط) و مستقل تقسیم می‌شوند. با توجه به تحلیل ارائه شده، پیشران‌هایی مانند جنبش‌های آزادی زنان، انتقاد به هویت سنتی، آگاهی نسبت به موقعیت زنان در جامعه، فروپاشی هویت سنتی، ارزش‌ها و آرمان‌های جدید، آگاهی از حقوق اجتماعی و انسانی، و ذهنیت خلاق و آزادی در انتخاب هویت، به عنوان پیشران‌های مؤثر در تحولات هویت اجتماعی زنان در دانشگاه هستند. این پیشران‌ها بیشتر در دسته متغیرهای دوجبه‌ی قرار دارند که تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالایی دارند و هر تغییر کوچکی در آن‌ها می‌تواند تغییرات اساسی در سیستم ایجاد کند.

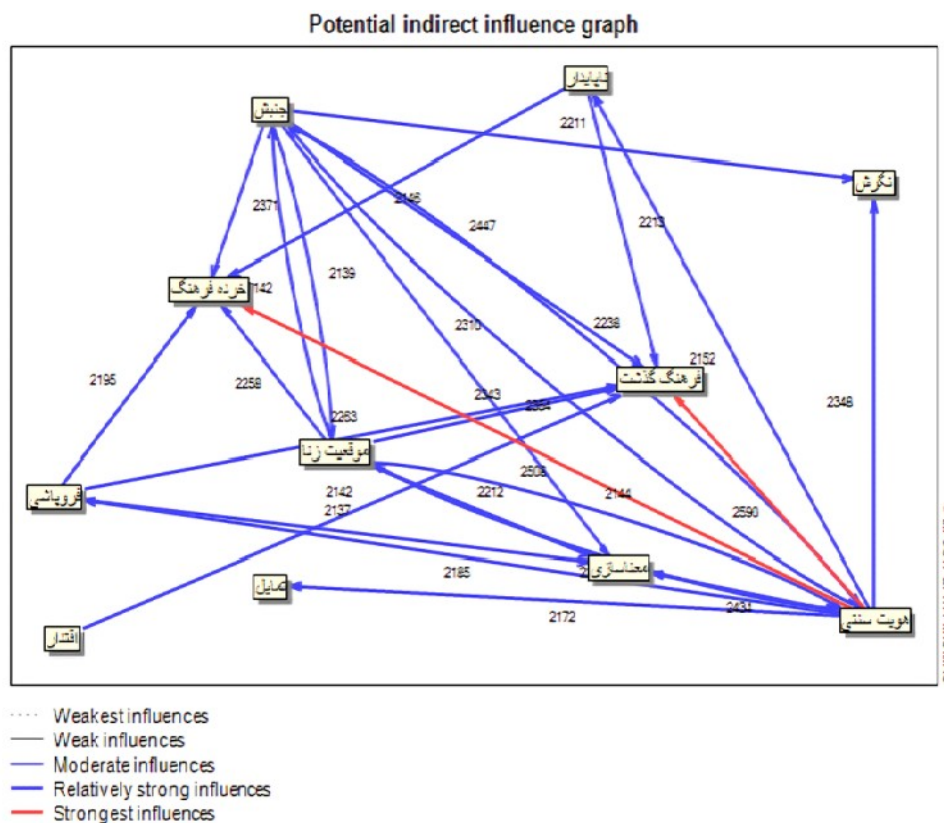
از سوی دیگر، متغیرهای وابسته مانند نگرش مثبت نسبت به مدرک، خرده فرهنگ جدید، تمایل به سوی علاقه و انگیزه خود، و معناسازی نو از هویت پس از تحصیلات، دارای وابستگی قوی و هدایت ضعیف هستند و تأثیرپذیری بالا و تأثیرگذاری کمتر را در سیستم دارند. به علاوه، متغیرهای مستقل که دارای وابستگی کم و هدایت بالا هستند، به عنوان متغیرهای دارای تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری کم در سیستم شناخته شده‌اند. در این تحلیل، پیشران‌های مستقل به صورت خاص مورد بررسی قرار نگرفته است. در نهایت، متغیرهای خودمختار که دارای وابستگی و قدرت هدایت کم هستند، به عنوان معیارهای جدا شده از سیستم شناخته شده‌اند. تغییرات در این متغیرها تأثیر چندان بزرگی بر سیستم اعمال نمی‌کند.

شکل شماره ۱ و ۲، محل قرار گرفتن متغیرهای خروجی نرم افزار میک مک براساس تأثیرگذاری و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری متغیرها نشان می‌دهد و نرم افزار میک مک در

شکل ۱، تمامی تأثیرات مستقیم را نشان می‌دهد که خبرگان به آن اشاره داشتند و در شکل ۲ تمامی تأثیرات غیرمستقیم را نشان می‌دهد که خبرگان به آن اشاره نمودند.



- شکل ۲- تأثیرات غیر مستقیم متغیرها



شناسایی سناریوهای مطلوب با روش CIB

پس از تکمیل ساختار تحلیل اثرات متقاطع توسط نرم‌افزار میک مک و شناسایی پیشران‌های مختلف فرض‌های سناریو باید پیکربندی خوبی از نقش دوگانه هرکدام از توصیف‌گرها جهت اثرگذاری روی هدف ارائه دهند. برای تدوین سناریوهای محتمل از میان ۱۳ پیشران کلیدی که از طریق الگوریتم متقاطع شناسایی شده بودند، که در این قسمت ۶ پیشران از آنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. توصیف‌گرهای کلیدی با استفاده از قواعد کدگذاری در روش CIB ماتریس‌بندی شده و در اختیار ۱۰ نفر از خبرگان قرار گرفتند؛ به عبارتی در گام سوم تحقیق پس از شناسایی متغیرهای دوجبهی در تحلیل میک مک از خبرگان خواسته شد تا حالات هر یک از متغیرها را مشخص کنند.

جدول ۳- وضعیت مرتبط با هریک از پیشران‌ها

ردیف	پیشران‌های کلیدی	حالات
A	تعریف خود در فضای جدید	A1 هویت تلفیق یافته
		A2 تغییر ماهیت هویتی
		A3 احساس زنان از عضویت درون گروه
B	عدم اعتماد نسبت به مردان	B1 سرخوردگی زنان توسط مردان
C	به وجود آمدن جنبش زنان	C1 جداسازی زنان از مردان
		C2 رفتار تبعیض‌آمیز علیه زنان
D	هویت ناپایدار و شکننده	D1 تحت تأثیر دیگری قرار گرفتن
		D2 تلاش برای آمیختن هویت متضاد
		D3 هویت سلسله مراتبی
		D4 تجمع هویت مادری و دانشجویی
E	آگاهی نسبت به موقعیت زنان	E1 توانمندی زنان
		E2 تجربه دانشگاه
		E3 تغییر موقعیت زنان در اندرونی خانه
F	ذهنیت خلاق و آزادی در هویت	F1 احساس فردی زنان
		F2 توانایی اداره امور
		F3 استقلال و آزادی عمل

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند ۳ سناریو به‌عنوان سناریوهای ارزش‌های ۲۰ ساله تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه مطرح شدند که سناریوی سازگار اول جداسازی زنان از مردان، تحت تأثیر دیگری قرار گرفتن، استقلال و آزادی در عمل، سرخوردگی زنان توسط مردان، احساس زن از عضویت درون گروه‌ها و تجربه دانشگاه است. در این سناریو، زنان از مردان جدا شده‌اند و تحت تأثیر دیگران قرار گرفته‌اند. این وضعیت نشان‌دهنده عدم برابری بین دو جنس است که باعث می‌شود زنان تنها باشند و در مقابل تصمیمات و اقداماتی که بر عهده آنها نمی‌توانند به صورت آزاد و مسئولانه اقدام کنند. در این سناریو، زنان نیز با سرخوردگی و تبعیض توسط مردان مواجه می‌شوند. این وضعیت باعث می‌شود که زنان از عضویت در گروه‌ها و اجتماعی که مردان حضور

دارند اجتناب کنند و از مواردی که می‌توانند در آنها استقلال و آزادی خود را کامل کنند و از تجربه‌های موفقیت آمیز لذت ببرند لذت نبرند. در نهایت، این جمله به تجربه دانشگاه زنان در این سناریو اشاره می‌کند. در این سناریو، زنان ممکن است با قیود و محدودیت‌هایی در دانشگاه مواجه شوند که باعث می‌شود تا از افراد دیگر تحت تأثیر قرار گیرند و از استقلال و آزادی در عمل قرار نگیرند.

در سناریو دوم، تحت تأثیر دیگری قرار گرفتن، تقویت احساس فردی زنان، تغییر ماهیت هویت گذشته و تجربه دانشگاه قرار دارد. به بیان دیگر، هر گونه تحول فردی به واسطه کنش‌های اجتماعی منجر به تغییر ماهیت هویتی و بازتولید هویت فردی جدید شده و شدت چالش و تعارضات بر هویت فردی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. در این متن یک سناریو برای تغییر و توسعه هویت فردی زنان توضیح داده شده است. در این سناریو نشان داده شده است که تغییر و توسعه هویت فردی زنان تحت تأثیر کنش‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد. یکی از مهمترین نتایج این تغییر تقویت احساس فردی در زنان است. با تغییر ماهیت هویت زنان و ایجاد هویتی جدید، زنان می‌توانند بهتر از خود بدانند و هدف‌ها و ارزش‌های خود را بهتر تعیین کنند. این موجب می‌شود تا احساس خودبود و اعتماد به خود در آنها افزایش یابد.

با توجه به این که هویت فردی زنان تحت تأثیر کنش‌های اجتماعی است، تغییر ماهیت آن نیز تحت تأثیر این کنش‌ها خواهد بود. بنابراین، شدت چالش و تعارضاتی که زنان در این مسیر به خود می‌آورند، بسیار قابل توجه است. برای خودروزی و پیشرفت در هدف‌های خود، زنان باید به صورت مستمر و پیروی در این مسیر حرکت کنند و از هر چالش و تعارضی که به خود می‌آورند به صورت مناسب پاسخ دهند. در نهایت، تحلیلی که در این متن ارائه شده است، نشان می‌دهد که تغییر و توسعه هویت فردی زنان یک فرایند پیچیده است که تحت تأثیر کنش‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد.

در بحث سناریو سوم، جداسازی زنان از مردان، تجمع هویت مادری و دانشجویی، سرخوردگی زنان توسط مردان، هویت تلفیق یافته و تجربه دانشگاه مطرح است. سناریوی

سوم، جداسازی زنان از مردان وجود دارد که این مسئله به یکی از شاخص‌های اسلامی شدن در فضای دانشگاه تبدیل شده است. این جداسازی باعث می‌شود که زنان در دانشگاه تحت تأثیر دیگری قرار گیرند. این تأثیر دیگری می‌تواند از طریق نگاه‌های دیگران به هویت زنان، سرخوردگی زنان توسط مردان و غیره به وجود آید. با ورود به دانشگاه و تجربه کسب در آن، زنان احساس آزادی و استقلال در عمل را در خود می‌شناسند. این احساس باعث می‌شود که زنان نسبت به هویت گذشته خود فاصله بگیرند و یک هویت جدید تلفیق یافته از هویت مادری و دانشجویی را به دست آورند.

علاوه بر این، هویت تلفیق یافته از هویت مادری و دانشجویی به زنان امکان می‌دهد تا نقش‌های متعددی را در زندگی خود بازی کنند و در هر نقش، به صورت آزاد و مسئولانه اقدام کنند. همچنین با کسب استقلال مالی و فکری، زنان می‌توانند تصمیمات خود را به صورت افتخاری و بدون تحت تأثیر قرار گرفتن از دیگران انجام دهند. در نهایت باید توجه داشت که در این سناریو همچنان مشکلاتی مانند سرخوردگی زنان توسط مردان وجود دارد.

جدول ۴- سناریوهای آینده تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه

سناریو ۱	سناریو ۲	سناریو ۳
به وجود آمدن جنبش زنان جداسازی زنان از مردان		
هویت ناپایدار و شکننده تجمع هویت مادری و دانشجویی	هویت ناپایدار و شکننده تحت تأثیر دیگری قرار گرفتن	
ذهنیت خلاق و آزادی در هویت تقویت احساس فردی زنان		ذهنیت خلاق و آزادی در هویت استقلال و آزادی در عمل
عدم اعتماد نسبت به مردان سرخوردگی زنان نسبت به مردان		
تعریف خود در فضای جدید هویت تلفیق یافته	تعریف خود در فضای جدید تغییر ماهیت هویت گذشته	تعریف خود در فضای جدید احساس زنان از عضویت درون گروه
آگاهی نسبت به موقعیت زنان آگاهی در تجربه دانشگاه		

منبع (یافته‌های پژوهش)

نتیجه گیری

تغییرات سریع و پر شتاب دهه های اخیر و دگرگونی در عرصه های مختلف، هویت و فرایند هویت یابی را با چالش هایی مواجه کرده است. ورود به دانشگاه بخش مهمی از تجربه زیسته بسیاری از انسان ها در جامعه معاصر است. مهمترین کارکرد دانشگاه، به عنوان نهادی که نقش کلیدی در تولید و فهم دانش، توسعه فرهنگ و تمدن و حل مسائل جامعه مدرن دارد، تولید انسان دانشگاهی و هویت دانشگاهی فرهیخته، پویا و توانمند در افرادی است که به عنوان پیشاهنگان فرهنگ عمل می کنند. شکل گیری هویت زنانه با توجه به چگونگی بازنمایی آن از طریق نمادها و نشانه ها مختلف در فرهنگ آن جامعه، درون گفتمان های مختلف شکل می گیرد و در جوامع مختلف متفاوت است.

در محیط آموزشی زنان دارای یک هویت واحد نیستند، بلکه با هویت های متعددی خود را معرفی می کنند، این هویت ها نسبی اند. تحقیق حاضر به دنبال آن است که پیشران های کلیدی تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه طی ۲۰ سال آینده در ایران را شناسایی کرده به تدوین سناریوهای آینده تحول هویت اجتماعی در ایران بپردازد. در این راستا و به منظور شناسایی پیشران ها در مرحله نخست تحقیق به ۱۸ نفر از خبرگان حوزه ی علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی ساخت یافته شد. مبنای طراحی پروتکل مصاحبه استفاده از مرور ادبیات، تکنیک پستل و فن پرسشی 5wh1 بود. به منظور تحلیل مصاحبه ها از تحلیل تم استفاده شده است. در فاز دوم پژوهش بعد از شناسایی پیشران ها پنل ۱۰ نفرهای از خبرگان تشکیل گردید که در آن پنل خبرگان به ارزیابی میزان تأثیرگذاری هر یک از پیشران ها بر یکدیگر پرداختند. در این مرحله، خبرگان از نمره ۰ تا ۳ که نشانگر بدون تأثیر تا تأثیر بسیار قوی است روابط فیما بین متغیرها را تعیین کردند.

در مرحله سوم، متغیرهای دووجهی به عنوان ورودی های نرم افزار سناریویزارد مطرح می شوند. در این مرحله، خبرگان از نمره ۳ - تا ۳ + براساس شدت و جهت تأثیرگذاری حالات متغیرها بر یکدیگر نمره تخصیص داده اند. خروجی این مرحله، شناسایی سناریوهای سازگاری است که براساس آن می توان آینده را توصیف کرد. بر این اساس، ۳

سناریو به دست آمد. در مجموع، داده‌ها و نتایج حاصل از تحقیق مربوط به سال ۱۴۰۰ و افق آینده، سال ۱۴۲۰ است. در واقع تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه زمانی تحقق می‌یابد که عناصر جامعه سنتی تغییر پیدا کرده و عناصر جدیدی در هویت مدرن جایگزین آن شوند. جنکینز (۱۳۸۱) هویت اجتماعی متغیر و سیال‌پذیر است و هویت‌های متعدد و نه ثابت و ایستا وجود دارند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که سناریوی سازگار اول به عوامل فیزیکی (مثلاً جداسازی فضای زنانه و مردانه)، اجتماعی (مثلاً تفاوت در فرصت‌های اجتماعی برای زنان و مردان) و روانشناختی (مثلاً تفاوت در اعتقادات و انتظارات جامعه نسبت به زنان و مردان) اشاره دارد. توانایی زنان در انجام اعمال و تصمیم‌گیری‌های خود تحت تأثیر فرهنگ، اجتماع و سیستم تحصیلاتی قرار می‌گیرد. در سناریو اول بحث شده است که سرخوردگی زنان توسط مردان انجام می‌شود که این سرخوردگی ممکن است از تفاوت‌های قدرت، توانمندی‌ها، و حقوق اجتماعی ناشی شود.

همچنین احساسات و تجربیات زنان در جامعه و گروه‌های مختلف است که ممکن است به تفاوت‌های جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی بستگی داشته باشد. زنان در دانشگاه تمایل به منابع فرهنگی و استقلال دارند (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۶؛ فریدونی، ۱۳۹۸). افزایش تحصیل موجب تضعیف نقش پدرسالاری شده است. رویکرد مردانه باعث به حاشیه رانده شدن زنان شدند و هویت جنسیتی ریشه در نظام پدرسالاری دارد (رحمانی و طیبی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

همانگونه که در سناریو دوم آمده است افزایش اعتماد به نفس، احساس خودکارآمدی و توانایی تصمیم‌گیری منجر به افزایش شکاف‌های جنسیتی، تغییر در روابط اجتماعی و تعاملات زنان در دانشگاه می‌شود. تقویت احساس فردی زنان، ممکن است ماهیت هویت گذشته زنان نیز تغییر کند. این تغییر ممکن است شامل تغییر در باورها، ارزش‌ها، هدف‌ها و تصورات زنان درباره خود و جایگاهشان در جامعه باشد. همچنین تجربه دانشگاه نیز ممکن است تحت تأثیر تقویت احساس فردی زنان قرار گیرد.

این تجربه ممکن است باعث افزایش شکاف‌های جنسیتی و نابرابری‌های جنسیتی در دسترسی به فرصت‌های آموزشی و شغلی شود و به تغییرات در هویت و رفتار زنان در دانشگاه منجر شود. گیدنز (۱۳۸۱) تامل و بازاندیشی در زمینه هویت را ویژگی دوران مدرن می‌داند به عقیده او هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ساخته می‌شود و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند. همچنین گافمن (۱۹۶۷) تصویری که هر فرد از خود دارد در اصل بازتاب نگرش دیگران نسبت به او است.

در بحث سناریو سوم، به بحث جداسازی زنان از مردان، تجمع هویت مادری و دانشجویی، سرخوردگی زنان توسط مردان، هویت تلفیق یافته و تجربه دانشگاه پرداخته شده است که هویت زنان دارای نقش ترکیبی از نقش دانشجو و مادری است و زنان برای تلفیق هویت از هویت انگیزه‌هایی برخوردارند این انگیزه‌ها دارای علایق و خواسته‌هایی است که در طول کنش آنان به دست می‌آید. تجمع هویت مادری و دانشجویی ممکن است باعث تضاد در نقش‌های زنان و تضاد در اولویت‌های آنان شود. به عبارت دیگر، زنان ممکن است با مشکلات هویتی روبه‌رو شوند که ممکن است به سرخوردگی و ناراحتی آنان منجر شود.

همچنین سرخوردگی زنان توسط مردان نشان‌دهنده واکنش منفی و ناراحت‌کننده مردان نسبت به زنان است که ممکن است باعث کاهش اعتماد به نفس و احساس خودکارآمدی زنان شود. این سرخوردگی ممکن است به تضعیف هویت زنان و کاهش تعاملات مثبت آنان با دانشگاه منجر شود. تلاقی هویت‌های مختلف در زنان است که ممکن است باعث پیدایش تضادها و مشکلات هویتی شود. این تلاقی ممکن است به سرخوردگی، ناراحتی و کاهش اعتماد به نفس زنان منجر شود. تاجفل (۱۹۷۹) معتقد است هویت اجتماعی فرد به وسیله گروهی که به آن تعلق دارد، تعیین می‌شود. جداسازی فیزیکی، مکانی و به ویژه نمادین هویت دختران و پسران منجر به سرخوردگی دختران در دانشگاه می‌شود و اعتماد به نفس آنان را از بین می‌برد؛ در این زمینه باید گفت رفتارهای تبعیض آمیز

باعث شده این ایده به وجود آید که دختران نمی‌توانند مانند پسران باشند و تصور ضعیف بودن از دختران در ذهن آنان شکل می‌گیرد (Dib & Alvarez, 2021: 34).

با توجه به نتایج پژوهش در کل می‌توان گفت حضور گسترده زنان در آموزش عالی ایران یک رخداد مسئله‌انگیز است و به مثابه مسئله اجتماعی تجربه فضای دانشگاهی، از طریق ایجاد خرده فرهنگی که در نهاد اجتماعی دانشگاه جریان دارد هویت‌های متعددی خود را نشان می‌دهند و تأثیر زیادی بر ساختار فکری، هویتی و شخصیتی زنان دارند؛ همچنین دانشگاه نقش سازنده‌ای در صورت‌بندی‌های جدید از هویت اجتماعی زنان دارد. در دانشگاه زنان احساس موفقیت، توانمندی، افتخار، استقلال و رضایت از شرایط در تجربه دانشگاه دارند. همچنین در نهاد دانشگاه زنان هویت واحد ندارد بلکه با هویت‌های متعددی رو به رو هستند؛ این هویت‌ها نسبی و در طول زمان تغییر می‌کنند و گاه در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند.

نوشتن محدودیت‌های تحقیق بسیار مهم است چون به خواننده اجازه می‌دهد تا نتایج را در چارچوب مناسب تفسیر کند. در مورد این مطالعه برخی از محدودیت‌ها مانند نمونه کوچک بود که نتایج قابل تعمیم به تمام دانشگاه‌ها یا کشورها نیست، وجود داشت. فرهنگ و اجتماع در حال تغییر هستند و این ممکن است تأثیر بزرگی بر تحول هویت اجتماعی زنان داشته باشد، تحقیق حاضر این تغییرات را در نظر نگرفته است. این تحقیق محدود به داده‌هایی است که در دسترس بوده اند، و این ممکن است صحت و کامل بودن تحلیل را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین ممکن است عوامل دیگری مانند سن، تحصیلات، شغل، وضعیت اقتصادی و ... نیز بر هویت اجتماعی زنان تأثیر بگذارند که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته اند. در این راستا پیشنهاد می‌شود:

- در محیط دانشگاه زنان با هویت‌های گوناگون رو به رو هستند و این هویت‌ها در حال تغییر و تحول هستند، در این زمینه باید یکسان‌سازی هویت مختلف صورت گیرد و برای تحقق آن باید هویت متعادل ایجاد کرد؛ این هویت متعادل باید حد وسط هویت‌های گوناگون باشد.

- با توجه به اینکه محیط دانشگاه نقش موثری در هویت زنان دارد و زنان با تعارضات هویتی رو به رو هستند می توان از طریق برنامه های آموزشی یا از طریق برگزاری کارگاه آموزشی به صورت رایگان، تعارض هویتی زنان را کاهش داد.

- یکی از نشانه های هویت، بازاندیشی در هویت و نشان دادن هویت های گوناگون است، زنان در دانشگاه یک نوع هویت دارند، در جامعه یک نوع هویت و در خانواده هویت دیگری دارند در حالی که در برقرار تعادل میان این هویت ها به آنان آموزش داده نمی شود. در این زمینه باید گفت یک هویت قوی به عنوان زیر بنای هویت اجتماعی و موفقیت در هویت کمک می کند. نشان دادن زنانی که توانسته اند میان هویت های متفاوت ارتباط برقرار کنند، راه کار مناسبی برای تقویت هویت زنان باشد.

سپاسگزاری

از تمامی مصاحبه شوندگان گرامی که با مشارکت ارزشمند خود، این پژوهش را یاری نمودند، صمیمانه سپاسگزاریم.

تعارض منافع

تعارض منافع نداریم.

ORCID

Neda Khodakaramian Gilan  <http://orcid.org/0000-0001-8830-7004>

Mohsen Niazi  <http://orcid.org/0000-0002-4469-7116>

Mohammad Reza Heshmaty  <http://orcid.org/0009-0009-0588-0629>

منابع

- حاجیانی، ابراهیم و ایروانی، زهرا. (۱۳۹۷)، «آینده‌پژوهی هویت ملی ایران در افق زمانی ۱۴۰۷، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتاد و شش، شماره ۱۹: ۳- ۲۰.
- خواجه‌نوری، بیژن؛ مرادخانی، مهری و براتی، شهناز. (۱۳۹۸)، «مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام)»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال پانزدهم، شماره ۱: ۱۴۳- ۱۶۸.
- رحمانی، جبار و طیبی‌نیا، مهری. (۱۳۹۷)، «فرآیند تحول هویت اجتماعی زنان در تجربه گفتمانی نهاد دانشگاه (مورد مطالعه: زنان متهل، شاغل و دانشجو)»، فصلنامه جامعه‌شناسی نهاد اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۱: ۱۲۳-۱۵۱.
- ساروخانی، باقر و رفعت‌جاه، مریم. (۱۳۸۶)، «بازاندیشی در تقابل جنسیتی و هویت زنانه»، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه اصفهان، سال بیست و پنجم، شماره ۴: ۲۱۳- ۲۳۶.
- صدیق سروسستانی، رحمت الله و قادری، صلاح‌الدین. (۱۳۸۸)، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مولفه‌های سنتی و مدرن (به تفکیک دانشگاه محل تحصیل)، تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۲، شماره ۴: ۳۵- ۶۵.
- فریدونی، سمیه. (۱۳۹۳)، روایت دختران از زندگی دانشگاهی (نظریه بومی تواناسازی زنان از طریق آموزش عالی)، تهران: نشر شیرازه.
- قلی‌پور، آرین؛ رحیمیان، اشرف و میرزمانی، اعظم. (۱۳۸۷)، «نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران»، پژوهشنامه زنان، سال ششم، شماره ۳: ۱۱۳- ۱۳۲.
- قلی‌پور، آرین؛ اسماعیلی؛ ندا؛ قلی‌پور، فتانه. (۱۳۹۸)، «مدیریت هویت؛ شناسایی راه کارهای تقویت هویت اجتماعی زنان در نهاد آموزشی»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۸، شماره ۴: ۱۲۱- ۱۴۰.

آینده پژوهی تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه...، خداکرمیان و همکاران | ۲۳۱

- علیرضائزاد، سهیلا. (۱۳۹۷)، «زن کشاورز یا زن خانه‌دار: مطالعه‌ای در باب تحول نقش‌ها و هویت اجتماعی زنان روستایی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۱۲، شماره ۱: ۸۲ - ۱۰۴.

- لطف‌آبادی، محسن. (۱۳۹۹)، «نقش جغرافیا در هویت ایران دوره ساسانی»، *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، دوره ۲۱، شماره ۳: ۳ - ۲۳.

- کیانی، مژده و نجفی، سیامک. (۱۳۹۷)، «اعتماد اجتماعی و هویت اجتماعی؛ بازاندیشی در هویت اجتماعی زنان تحصیلکرده مورد مطالعه دانشگاه تبریز»، *فصلنامه زن و جامعه*، سال ۹، شماره ۲: ۲۷۵ - ۲۹۳.

- میمنت‌آبادی، قباد؛ تاجیک اسماعیلی، سمیه و هاشمی، شهناز. (۱۳۹۹)، «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحول هویت (مورد مطالعه: شهروندان سنندج)»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، سال نهم، شماره ۳۵: ۵۱ - ۷۸.

- نمازی، محمد مهدی و فرهنگند، مهناز. (۱۳۹۹)، «بررسی عوامل میدانی مرتبط با هویت دانشگاهی»، *فصلنامه علوم اسلامی انسانی*، دوره ۶، شماره ۲۲: ۲۷ - ۴۲.

- Bourcier, B, Corinne, C, Moal, G (2021). "The old and the beautiful: senior women's exposure to models in advertisements and the impact on their identity", *Journal of Consumer Marketing*, 38 (4): 747- 751.
- Blount-Hill, K. L. (2021). "Exploring a Social identity theory of Shared narrative: insights from resident Stories of police contact in Newark, new Jersey, and Cleveland, Ohio". *Criminal Justice and Behavior*, 48 (6): 810-827.
- Coon, D. (2019). *Essentials of psychology: Exploration and application*. New York: Wadsworth/Thomson Learning.
- Hall, S. Held, D. Hubert, D. & Kenneth T (2000). *Modernity an introduction to modern societies*. Black well Publishers Inc.
- Hogg, M (2020). *Social identity theory* (pp. 112-138). Stanford University Press.
- Huddy, L. (2011). "From social to political identity: A critical examination of social identity theory". *Political psychology*, 22 (1): 127-156.
- Hogg, M. A. (2011). "A social identity theory of leadership". *Personality and social psychology review*, 5 (3): 184-200.

- Hao, X, Mai, Sh (2020). "Older women's identity reconstruction in leisure spaces: a case of Guangzhou, China", *Journal Leisure Studies*, 39 (3): 417 – 432.
- Laffan, D. A. (2021). "Positive psychosocial outcomes and fanship in K-pop fans: A social identity theory perspective". *Psychological Reports*, 124 (5): 2272-2285.
- Lonsdale, A. J. (2021). "Musical taste, in-group favoritism, and social identity theory: Re-testing the predictions of the self-esteem hypothesis". *Psychology of Music*, 49 (4): 817-827.
- Lai, Y. L., & Smith, H. (2021). "An investigation of the three-way joint coaching alliance: A social identity theory perspective". *Applied Psychology*, 70 (2): 489-517.
- McLeod, S. (2018). Social identity theory.
- Maxwell-McCaw, D., Leigh, I., & Marcus, A. (2021). *Social identity in Deaf culture: A comparison of ideologies*.
- Steffens, N. K., Munt, K. A., van Knippenberg, D., Platow, M. J., & Haslam, S (2021). "Advancing the social identity theory of leadership: A meta-analytic review of leader group prototypicality". *Organizational Psychology Review*, 11 (1): 35-72.
- Owen, M (2017). "Changing identities: two years on with Women's Studies", *Chapter Into the Melting Pot*, 9, eBook ISBN: 9780429450334.
- Khamis, S (2020). "Arab Women's Changing Identities, Activisms and Resistances in a Changing Region", *Cyber Orient*, 8 (1): 4 -6.
- Kevin, M, Caricati, L, Rubin, M, Matos, A, Spears, R (2021). "Why do women support socio- economic systems that favor men more? A registered test of system justification- and social identity- inspired hope explanations", *Multivariate Behavioral Research*, 45: 661-701.

استناد به این مقاله: نیازی، محسن؛ خداکرمیان گیلان، ندا وحشمتی، محمدرضا. (۱۴۰۴). آینده‌پژوهی تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه با رویکرد سناریو نویسی. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۶ (۶۲)، ۲۰۳-۲۳۲.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.